مرضیه برومند:

از تلویزیون دلخوری دارم اما دوست دارم با آن کار کنم!

مرضیه برومند در اوج عصبانیت و غمگین بودن می‌تواند همه دلگیری‌ها و اضطراب‌های خود را با لحنی شیرین بیان کند تا جایی که شما به عنوان مخاطب ممکن است بارها به خنده بیفتید و همان‌طور که ته ذهن‌تان به سخنان او فکر می‌کنید، می‌دانید که این تامل کردن، نومیدانه و تلخ نیست. او این روزها مشغول آماده‌سازی اولین سریال خود در شبکه نمایش خانگی است؛ مجموعه «مجتمع مسکونی کلیله و دمنه» که قرار است از فیلمنت پخش شود. برومند در گفتگو با ایسنا از رنجشی که از تلویزیون دارد، از پروژه‌های ناتمامش و اضطرابش برای موفقیت این سریال تازه می‌گوید و توضیح می‌دهد که مخاطبان این مجموعه، گروه سنی جوان و خانواده‌ها هستند، نه کودکان. او بر این نکته هم تاکید دارد که همه عوامل گروهش را انتخاب کرده و از جوانانِ علاقه‌مند می‌خواهد پیگیر حضور در این پروژه نباشند.

طرحی که بارها به در بسته خورد

برومند در آغاز این گفتگو می‌گوید، با وجود دلگیری‌اش از تلویزیون، همچنان علاقه‌مند است با این رسانه همکاری کند، رسانه‌ای که بی‌واسطه، او را با مخاطبان پرشماری پیوند می‌دهد. اما همکاری او با شبکه نمایش خانگی، داستانی دارد که از زبان خودش می‌خوانیم:

«از سال‌ها پیش به ساخت «مجتمع مسکونی کلیله و دمنه» علاقه‌مند بودم. حدود ده ـ دوازده سال پیش به دعوت سیما فیلم، طرح این مجموعه را ارایه کردم. آن زمان آقای دکتر حاتمی، تازه مدیریت فیلم و سریال و بخش کودک و نوجوان سیمافیلم را بر عهده گرفته بود. از آنجاکه قبلا با هم کار کرده بودیم، خیلی با اصرار دعوتم کرد برای گروه سنی نوجوان کاری کنم. من هم این طرح را ارایه دادم ولی هرگز شرایط ساختش فراهم نشد و دکتر حاتمی هم مانند دیگر مدیران که به سرعت عوض می‌شوند، تغییر کرد و این طرح به فراموشی سپرده شد.»

چند سال بعد برومند دوباره دعوت به کار شد و بار دیگر طرح «مجتمع مسکونی کلیله و دمنه» را مطرح کرد و برآورد هزینه هم انجام شد اما این طرح باز هم به در بسته خورد. او در این زمینه توضیح می‌دهد: «لابد آن زمان ساخت پروژه‌ای بزرگ، جزو اولویت‌هایشان نبود؛ بنابراین طرح من ماند تا اینکه آن را در شبکه نمایش خانگی به جریان انداختم. پیش از این بارها به تلویزیون مراجعه کرده و ماجرا را با مدیران گوناگون پیگیری کرده بودم ولی هرگز پاسخی نگرفتم. از آنجا که این پروژه، کاری است که ۱۰ سال مانده و به گفته خودشان پرونده‌اش بسته شده، حق خود دانستم طرحی را که مدت‌ها در ذهنم بوده، تا قبل از اینکه نتوانم کار کنم یا از خدمت همه به هر شکلی خداحافظی کنم، به انجام برسانم. ضمن اینکه آنچه حالا در شبکه نمایش خانگی در جریان است، با طرح اولیه تلویزیون تفاوت بسیاری دارد.»

عارضه حصر طرح‌ها در تلویزیون

برومند این بلاتکلیفی را نوعی عارضه در تلویزیون می‌داند و درباره آن می‌گوید: «این هم یکی از عارضه‌هاست که طرح‌های آدم در جایی گیر می‌افتد و دچار حصر و بلاتکلیفی می‌شود. چند طرح و نوشته دیگر هم دارم که به همین سرنوشت دچار شده است. در مورد «مجمتع مسکونی کلیه و دمنه» هم زمانی که عزم کردم که با جای دیگری کار کنم، دوباره پیگیر شدند که صحبت و برآورد هزینه کنیم و خودمان بسازیم ولی دیگر بی‌فایده بود.»

او که سریال‌های متعددی برای تلویزیون ساخته است، در ادامه هم از دلگیری خود از این رسانه می‌گوید و هم از علاقه‌ای که به آن دارد؛ «دلخوری شدیدی از تلویزیون دارم به دلیل اتفاقی که برای سریال «ویلا» پیش آمد و برای آن هم پاسخی نگرفتم. مرا دلسرد کردند و انگیزه‌های روحی‌ام را گرفتند و خیلی متاسفم که این اتفاق افتاده. همیشه گفته‌ام تلویزیون را خیلی دوست دارم چون رسانه‌ای است که خیلی بی‌واسطه و با وسعت زیاد مرا به مخاطبانم وصل می‌کند ولی داستان به جایی می‌رسد که آدم فکر می‌کند اگر کار نکند، همین مخاطبان محدودتر خود را هم از دست می‌دهد.»

خاطر من حزین است

«یعنی اگر تلویزیون برخوردی منطقی می‌کرد، همچنان انتخاب‌تان همین رسانه است؟» پاسخ برومند به این پرسش چنین است: «بله؛ ولی اول باید به من پاسخ چرایی توقف سریال «ویلا» را بدهد. تا وقتی این پاسخ را نگیرم، دل آزرده‌ام. آدمِ دل آزرده هم نمی‌تواند کار کند. همچنان که گفته‌اند «کِی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد». خاطر من حزین است. کسانی مانند من که داریم با جان و دل و احساس مسئولیت کار می‌کنیم، هرچقدر هم سخت‌جان و پوست کلفت باشیم، نیاز داریم قدرمان دانسته شود. آدمی با بالا رفتن سن، بیشتر هم نیاز به دلجویی دارد ولی وقتی اتفاق نمی‌افتد، دل آزردگی پیش می‌آید.» برومند درباره بی‌توجهی تلویزیون به سرمایه‌هایی که زمانی برایشان هزینه کرده است، توضیح می‌دهد: «جالب است که خیلی احترام می‌گذارند و تحویل می‌گیرند و استاد استاد می‌کنند و از کارهای خاطره‌انگیز می‌گویند و ...؛ اما اینها کلام است و در عمل، این هوشمندی نیست که از سرمایه‌های ملی که برای آنها هزینه کرده‌اند، بتوانند به درستی استفاده کنند و حرام‌شان نکنند. خودم را نمی‌گویم. بحث‌مان کلی است. صرف اینکه به امثال من بگویید چقدر ارزشمند هستیم و کارهایمان خوب بوده، فایده‌ای ندارد. زمانی این سخنان را باور می‌کنم که احساس کنم همچنان به امثال من و کارهای ما نیاز دارند، دست‌کم برای انتقال تجارب. چون در کارهای من برای جوانان زیادی امکان تجربه تجربه کارهای وسیع‌تر و سخت‌تر فراهم می‌شود. همچنان که در «شهر موش‌ها۲»، بسیاری نیروهای جوان تربیت شدند یا تجربه‌هایشان ارتقاء پیدا کرد و همکاران جوان‌تر ما در حوزه کودک یا عروسکی آموزش عملی دیدند که اتفاقی خوشحال‌کننده است ولی این هوشمندی در تلویزیون نیست یا در کوران مشکلات عدیده، تغییر مدیریت‌ها یا تخصیص منابع، گم می‌شود.»

کمدی سیاه «چاقو، شکلات» ساخته شد

فیلم کوتاه «چاقو، شکلات» با مدت زمان ۱۷ دقیقه به نویسندگی و کارگردانی «هوشمند ورعی» آماده نمایش شد.

به گزارش ایسنا، ورعی در توضیح داستان این فیلم، ضمن ابراز نگرانی از گسترش روزافزون تبعیض جنسیتی گفت: جامعه و دولت نمی‌توانند به تنهایی معجزه کنند! ما نیازمند خانواده‌هایی هستیم که احترام و مهربانی با زنان را از ایام کودکی به فرزندان شان بیاموزند.

«چاقو، شکلات» که در ژانر کمدی سیاه ساخته شده به این موضوع می‌پردازد.

این فیلم سومین تجربه کوتاه ورعی است که پس از فیلم‌های «بادبادک‌ها پاکدامنی نمی‌دانند» با مدت زمان ۳۰ دقیقه و «سوت زدن زیر آب» با مدت زمان ۱۵ دقیقه ساخته شده است.

ورعی پیشتر با این دو ساخته در بخش مسابقه جشنواره‌های مختلف بین المللی از جمله میلان ایتالیا، سن پترزبورگ روسیه، بلگراد صربستان، زوریخ سوییس، استانبول ترکیه، نایروبی کنیا و مومبای هندوستان حضور داشته است.

همچنین فیلم دیگرش « سوت زدن زیر آب» برنده دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه اکسپریمنتال ایران از بیست و ششمین جشنواره بین المللی فیلم کوتاه نیز بوده است.

طراحی پوستر و پخش بین الملل «چاقو، شکلات» برعهده میدیا کیاست بوده و از بازیگرانی که در این فیلم ایفای نقش کرده اند می‌توان به حمید پیش قدم و هیدا ورعی اشاره کرد.

دیگر عوامل فنی «چاقو، شکلات» عبارتند از: تهیه کننده: دکتر هوشنگ ورعی، لطیفه عین جعفری، مدرسه فیلم موج نو؛ گروه کارگردانی: هیدا ورعی، مهرداد موسایی؛ مدیر فیلمبرداری: محمدرضا سکوت؛ صدابردار: حسن زاهدی؛ دستیار صدا: مهدی ابراهیم زاده؛ صداگذار و طراح صدا: علی ابوالصدق؛ تدوین: هوشمند ورعی؛ گروه تدوین: فرامرز بگلو، نیما نوری؛ موسیقی: بهنود یخچالی؛ عکس: بهرنگ دزفولی زاده؛ تصحیح رنگ و جلوه‌های ویژه: بنیامین قچاق، طراح گریم: هدا ورعی؛ مجری طرح: لطیفه عین جعفری؛ مدیر تولید: پرویز حسنلو؛ مدیر تدارکات: نوید دابا و پشتیبانی فنی: استودیو پیشگامان سینمای آریا، استودیو بهمن، استودیو نقش، آموزشگاه آزاد موسیقی جام جم. همچنین ورعی در سیزدهمین دوره کتاب سال دانشجویی ایران جهت تالیف مجموعه داستان کوتاه «کاکا سفید» مورد تقدیر قرار گرفته است.

روایت پونه اوشیدری از نمایشگاه «سرزمین مادری» در گالری باوان

بحران آب و روستاهای متروک

پونه اوشیدری گفت: مناظری را در آثارم به تصویر کشیدم که بر اثر کم آبی به مکان‌هایی نامناسب برای زندگی تبدیل شده‌اند.

گروه تجسمی هنرآنلاین: نمایشگاه آثار پونه اوشیدری با عنوان «سرزمین مادری» در گالری باوان برگزار شد. اوشیدری در گفت و گو با هنرآنلاین درباره آثاری که در این مجموعه به نمایش درآمده است گفت: حدود ۲۵ اثر در این مجموعه به نمایش درآمد که ترکیبی از مدیوم‌های‌های مختلف هستند. بیشتر این آثار نقاشی است و بخش‌های پروژه محور نیز در این میان گنجانده شده که شامل عکس، مواد ارگانیک و ویدئو است.

اوشیدری ادامه داد: معمولا هر نمایشگاهی در راستای مجموعه قبلی است و هنرمند در هر مجموعه دست به تجربیات جدیدی می‌زند که چندان دور از کارهای قبلی نیست. شاید آنچه در سال ۹۵ به نمایش گذاشتم را بتوان ریشه مجموعه جدید دانست. در آن نمایشگاه تمام عناصر حذف شده بودند و فقط مقداری گیاه در فضا معلق بود. این مجموعه به نوعی می‌تواند ادامه آن کارها باشد اما دوست داشتم بیشتر روی مناظر متمرکز شوم و از مناطق طبیعی ایران الهام گرفتم.

این هنرمند افزود: با توجه به کانسپت آثارم مناطقی را انتخاب کردم که خشک و خالی از زندگی هستند. این مناطق به مرور زمان بر اثر کم آبی و شرایط مختلف به مکان‌هایی نامناسب برای زندگی تبدیل شده و به مرور متروکه شده‌اند، اما در هر کدام یک بنای تاریخی وجود دارد که قبلاً نقش حیاتی در زیست مردم منطقه داشته است. وقتی روستاها خالی از سکنه شدند این آب‌انبارها، آتشکده‌ها و... کاربرد خود را از دست داده و مثل یک شیء بی کاربرد در آن منطقه باقی‌مانده‌اند.

اوشیدری ادامه داد: بخش دوم مجموعه با الهام از پیشینه و جایگاهی که طبیعت، عناصر طبیعی و زمین نزد ایرانیان داشته است شکل گرفت. در متون کهن طبیعت به مادری بردبار و بخشنده تشبیه شده است و این موضوع هم الهام‌بخش شکل‌گیری بخشی از آثار من بود.

او با اشاره به استفاده از عکس در تعدادی از آثارش گفت: این کار باعث شد موضوع به شکل مشخص و سریع مطرح شود. این عکس‌ها متعلق به آدم‌هایی از سده گذشته است که از مناطقی با شرایط اقلیمی نامساعد و خشک به شهرها و روستاهای دیگر کوچ کرده‌اند و حالا روستاهای قدیمی آن‌ها خالی از سکنه است و صرفاً جنبه توریستی دارد. عنصر دیگری که در این عکس‌ها دیده می‌شود آب‌انبار است که برای زیست مناطق روستایی همیشه بسیار مهم بوده و جزء معماری‌های مهم اکثر زیستگاه‌های انسانی در ایران هستند.

ناصح کامگاری سه نمایشنامه جانوری را به چاپ سپرد

نگارش مجموعه داستانی درباره چالش آدم‌های امروزی با زندگی

ناصح کامگاری مشغول نگارش داستان بلندی با عنوان «کشته صدای خش‌دار داداشم» است. به گزارش هنر آنلاین، ناصح کامگاری نویسنده و کارگردان تئاتر، با این توضیح که مجموعه «سه نمایشنامه جانوری» را در انتشارات دایره سفید در دست چاپ دارد به هنرآنلاین گفت: هر سه نمایشنامه دارای فضای فانتزی است و شاعرانگی آن به‌لحاظ ساختاری زمینه اجرای نمایش موزیکال را فراهم می‌کند. او با بیان این که «شیری که می‌غُرید»، «شبنمی در اقیانوس» و «گنجشکک آشتی‌جو» عناوین نمایشنامه‌ها است، ادامه داد: نمایشنامه اول، اقتباسی از داستان «لافکادیو» شل سیلوراستاین است که این نمایشنامه سال‌ها قبل در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اجرا شده. داستان شیری که از جنگل به شهر مهاجرت می‌کند، به شهرت و موفقیت می‌رسد ولی هویت اصلی خود را از دست می‌دهد.

در این اثر کمدی بر مضمون مهاجرت و تبعات آن تاکید کردم. شخصیت‌هایی به داستان اولیه افزوده شده و فضای آهنگین و مفرحی به وجود آوردم. کامگاری افزود: دو نمایشنامه دیگر تالیفی هستند. «شبنمی در اقیانوس» فضای فانتزی بین دو موجود غیرانسانی غول و ماهی است که سفر دور و درازی را با هم طی می‌کنند. روابطی عاشقانه بین آن‌ها شکل می‌گیرد که در لوای این قصه نمایشی، موضوع هجران و وفاداری مطرح شده است. «گنجشکک آشتی‌جو» دیگر نمایشنامه این مجموعه نیز شخصیت‌های غیرانسانی دارد و می‌تواند علاوه بر بازیگر توسط عروسک و تن‌پوش هم اجرا شود.

«فرشته‌ساز» منتشر شد

رمان «فرشته‌ساز» نوشته استفان برایس با ترجمه سامگیس زندی منتشر شد. به گزارش ایسنا، این کتاب در ۴۹۶ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۱۱۰هزار تومان توسط نشر آموت منتشر شده است.

در یادداشت پشت جلد «فرشته‌ساز» می‌خوانیم: «دکتر ویکتور هوپیه پس از بیست سال به زادگاهش، وولفهایم برمی‌گردد. روستایی‌ها به بازگشت ناگهانی او مشکوک می‌شوند، به‌خصوص وقتی پی می‌برند او سه نوزاد با خود آورده است که فقط چند هفته از عمرشان می‌گذرد. بچه‌ها به ندرت در انظار دیده می‌شوند که همین کنجکاوی‌ها را بیشتر تحریک می‌کند و زمانی که معلوم می‌شود سه بچه مبتلا به بیماری وخیمی هستند، شایعه‌ها به اوج خود می‌رسند. بعد معلوم می‌شود نه تنها بچه‌ها، خود دکتر نیز گرفتار مشکلاتی است. او با خاطرات تلخ کودکی‌اش درگیر است، و عاقبت تصمیمی می‌گیرد که باید برایش نامیرایی به ارمغان بیاورد. روزنامه ایندپندنت: یک داستان بزرگ؛ درباره پسرهای آسمانی و آرزوهای بلند

روزنامه فالکز کرانت: یک داستان استادانه

روزنامه هلند آزاد: یک رمان جادویی که یک بار دیگر نشان می‌دهد برایس چه داستان‌نویس خارق‌العاده‌ای است.

استفان برایس متولد ۱۹۶۹ نویسنده بلژیکی رمان‌هایی است چون آرند، نامه برای خانم بروملی، انحطاط، و مقاله‌هایی چون جنگ‌های صلیبی و گوشه فراموش‌شده. برایس در سال ۱۹۹۰ از رشته تعلیم و تربیت فارغ‌التحصیل شد و شروع به کار معلمی کرد. او در کنار شغل اصلی‌اش به نوشتن رمان و مقاله‌های متعددی برای روزنامه‌ها ادامه داد. از سال ۱۹۹۹ تصمیم گرفت فقط به نویسندگی بپردازد.

طراحی سیستم هایپرلوپ ایتالیا در گروه معماری زاها حدید

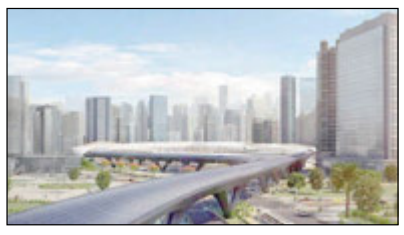

استودیو معماری زاها حدید در لندن توافقنامه‌ای را برای توسعه سیستم حمل و نقل سریع هایپرلوپ در سراسر ایتالیا امضا کرده است. به گزارش هنر آنلاین، هایپرلوپ گونه جدیدی از ترابری تندرو است که توسط ایلان ماسک در سال ۲۰۱۳ مطرح شد. به این ترتیب که مسافران در درون کپسول‌های کم فشار قرار می‌گیرند و با سرعت زیاد جابه‌جا می‌شوند. سفر با هایپرلوپ به‌طور چشمگیری زمان را کاهش می‌دهد. در حال حاضر شرکت‌های متعددی به دنبال گسترش این تکنولوژی هستند. به‌طور مثال هایپرلوپ ایتالیا در حال انجام یک مطالعه امکان سنجی از مسیر پیشنهادی بین میلان و فرودگاه مالپنسا است که باعث کاهش زمان سفر از ۴۳ دقیقه به ۱۰ دقیقه می‌شود.

معماران زاها حدید نسبت به کار روی سیستم‌های حمل و نقل بیگانه نیستند و از جمله نمونه فعالیت‌های این گروه می‌توان به طراحی فرودگاه بین المللی داکسینگ پکن، پل شیخ زاهد در ابوظبی و فرودگاه بین‌المللی راه‌آهن کوهستانی در اطریش اشاره کرد. حدید پاتریک شوماخر معمار ارشد زاها حدید، گفته است: «ما مشتاقانه منتظر همکاری با هایپرلوپ ایتالیا هستیم تا با ادغام معماری، مهندسی و برنامه‌ریزی شهری پایدارترین شبکه حمل و نقل را اجرا کنیم. ما با رویکرد میان‌رشته‌ای هایپرلوپ ایتالیا که ترکیبی از نوآوری در طراحی و فناوری با پیشرفت در مصالح سازگار با محیط زیست و روش‌های ساخت وساز است، مشترک هستیم. این اشتراک ما را قادر می‌سازد پروژه‌های آینده‌نگرانه را که از نظر ساختاری کارآمد و از نظر محیط زیست پایدارهستند را اجرا کنیم.» این پروژه در ایتالیا از انرژی تجدیدپذیر استفاده می‌کند و حتی قادر به تولید انرژی بیشتر از مصرف آن خواهد بود.

خبر

«منبع» برگزیده جشنواره بروکلین شد

فیلم «منبع» به کارگردانی، نویسندگی و تهیه کنندگی مجتبی پورعبداله برنده‌ی جایزه «اسپریت» از بیست و چهارمین دوره جشنواره بروکلین شد. به گزارش ایسنا، این فیلم تنها فیلم ایرانی راه یافته به این دوره از جشنواره بروکلین بود و با ۳۸ فیلم دیگر منتخب این جشنواره به رقابت پرداخت. در خلاصه داستان فیلم کوتاه منبع آمده است: یکی از تفریحات ابوالفضل و مسعود، مخفیانه شنا کردن در منبع آبی است که روی پشت بام ساختمانشان قرار دارد تا اینکه یک‌بار در این موقعیت در تقابل با محمد قرار می‌گیرند. پخش بین‌المللی این فیلم توسط شرکت AtoZinema به مدیریت آزاده مسیح زاده انجام می‌شود. نادر فلاح، ابوالفضل صفی‌خانی، حمیدرضا تجریشی و محمد مهدی برقی‌زاده بازیگرانی هستند که در این اثر به ایفای نقش پرداختند.

هنرمندی در بند گوانتانامو

در حالی که نیمی از عمرش را در زندان گوانتانامو گذرانده است اما می‌گوید کارهای هنری‌اش باعث می‌شود تا این حقیقت تلخ که تا آخر عمر زندانی خواهد بود را فراموش کند. به گزارش ایسنا به نقل از الجزیره، معاذ العلوی که بنا بر ادعای خودش به جنایت مشخصی متهم نشده، بیش از ۱۹ سال را در زندان نظامی آمریکایی گوانتانامو در کوبا گذارنده است. او در مستند کوتاهی که درباره زندگی‌اش منتشر شد، درباره آثار هنری که در زندان می‌سازد صحبت کرده است. نشریه نیویورک تایمز در گزارشی به آثار هنری ساخته شده توسط این زندانی پرداخته است. گفته شده نخستین بار آثار او در نمایشگاهی که مخصوص آثار هنری ساخته شده توسط زندانیان گوانتانامو برپا شده بود دیده شده و به خاطر دقت و ظرافت در ساخت کشتی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. معاذ العلوی با استفاده از وسایل محدودی که در زندان در دسترس داشته این آثار را ساخته و گاهی نیز از دیگر زندانیان و حتی نگهبانان زندان برای تهیه وسایلی که بتوان در آثار هنری از آن استفاده کرد، کمک گرفته است. این هنرمندِ در بند، گفته است گاهی دو روز را نخوابیده تا آثر هنری‌اش را به سرانجام برساند. طبق این گزارش در ابتدای برپایی نمایشگاه زندانیان، به زندانی‌های گوانتانامو اجازه داده نمی‌شد تا آثارشان را به نمایش بگذارند و ساخت مستندی کوتاه به معاذ العلوی کمک کرد تا هنرش دیده و صدایش شنیده شود؛ اگر چه اجازه صحبت مستقیم با او داده نشده است. زندان آمریکایی گوانتانامو اکنون در آستانه ۲۰ سالگی است و اقامت اجباری معاذ العلوی نیز در این زندان به زودی بیست ساله خواهد شد!

گزارش

تئاتری که «شهر هرت» شده است

تئاتر ایران این روزها در حالی که کرونا جولان می‌دهد، وضعیت «شهر هرت» را پیدا کرده است. به گزارش ایسنا، با آغاز همه گیری کرونا خانواده تئاتر هم همچون دیگر اقشار می‌دانستند مصیبت تازه‌ای بر سرشان آوار شده ولی آنچه پیش‌بینی نمی‌کردند، یکی مدت زمان طولانی این همه گیری بود و دیگری میزان برخی بی‌کفایتی‌هاست. از حدود ده روز پیش عموم جامعه می‌دانستند که به زودی وضعیت تهران و بعضی شهرهای دیگر، «قرمز» اعلام خواهد شد. بنابراین برای گروه‌های نمایشی که آثاری روی صحنه داشتند، دور از ذهن نبود که بار دیگر طعم تلخ یک تعطیلی دیگر را بچشند اما آنچه پیش‌بینی نمی‌کردند، سیاست چندگانه اداره کل هنرهای نمایشی بود. این اداره با این منطق که در وضعیت قرمز، فعالیت مشاغل گروه دو که سینما و تئاتر هم در آن قرار می‌گیرد، به صورت خودکار تعطیل می‌شود، به سایت‌های فروش بلیت فروش دستور توقف بلیت فروشی را داد. این در حالی بود که هیچ ابلاغیه رسمی به سالن‌های نمایشی اعلام نشد و همین موضوع، اعتراض مجید رجبی معمار، مدیر عامل خانه هنرمندان ایران را در پی داشت که چرا اداره کل هنرهای نمایشی به جای اعلام تعطیلی به سالن‌ها، فقط موضوع را با سایت‌های فروش مطرح کرده است.

اما ماجرا زمانی غریب‌تر شد که شامگاه چهارشنبه ۱۷ تیر ماه بعضی از مجموعه‌های خصوصی در صفحات تماشاخانه‌هایشان اعلام کردند فعالیت خود را از روز یکشنبه ۲۱ تیر ماه از سر می‌گیرند. بعد از این اعلام، فروش بلیت در سایت‌هایی که در این زمینه فعال هستند، همچون سایت تیوال از سر گرفته شد. کسانی که تا حدودی با ساز و کار اجرای تئاتر آشنایی داشته باشند، می‌دانند که سایت فروش بلیت بدون مجوز شورای نظارت و ارزشیابی اداره کل هنرهای نمایشی، اجازه فروش بلیت ندارد. اما اینکه این اداره به طور رسمی، درباره تعطیلی و بازگشایی تئاتر اطلاع رسانی نمی‌کند، نشان‌گر مسئولیت‌ناپذیری آن است. تا اینجای ماجرا چیزی شبیه سیاستی دوگانه است ولی اگر پای سخنان گروه‌هایی که این روزها نمایشی را روی صحنه دارند، بنشینیم، مساله یک بام و چند هواست. مدیریت تئاتر به سالن‌های خصوصی اجازه داده به صورت چراغ خاموش و بی‌سر و صدا فعالیت خود را از سر بگیرند چراکه این تماشاخانه‌ها عموما فضایی استیجاری در اختیار دارند و در دوران کرونا، متحمل زیان‌های بسیار شده‌اند.

سالن‌های خصوصی هم که برای دادن نوبت اجرا به گروه‌های نمایشی، کف فروش را دریافت کرده‌اند، به گروه‌هایی که اثری روی صحنه داشتند، اعلام کرده‌اند برای حفظ نوبت اجرای خود، لازم است اجرای نمایش‌شان را ادامه بدهند. با این تصمیم‌گیری نبوغ‌آمیز، هم مرکز هنرهای نمایشی، بار مسئولیت را از شانه‌های خود برمی‌دارد همچنانکه به صورت غیررسمی هم اعلام کرده مسئولیت با سالن‌های خصوصی است. ضمن اینکه با این شیوه تعهدی هم به پرداخت کمک هزینه نخواهد داشت. سالن‌های خصوصی هم که هزینه کف فروش را از گروه دریافت کرده‌اند و اگر گروهی از اجرای نمایشش منصرف شود، نمی‌تواند پول خود را بازپس بگیرد. البته این مطلب به معنای آن نیست که سالن خصوصی، از این وضعیت فاجعه گونه به سلامت گذر می‌کند چراکه این سالن‌ها مصایب دیگری هم دارند ولی طبیعتا هیچ کس به اندازه گروه نمایشی آسیب نخواهد دید. گروهی که با هزار و یک مشکل رو به رو است؛ از یک طرف دستش برای تبلیغ و اطلاع‌رسانی باز نیست و باید به این امید باشد که تماشاگران احتمالیِ کارش از طریق سایت فروش از اجرای نمایشش با خبر شوند یا اینکه دستَ به دامن دوست و آشنا می‌شود تا از هر راه غیررسمی در زمینه اطلاع‌رسانی (همچون تبلیغ دهن به دهن یا تبلیغ در صفحات شخصی و ...) کمک حالش باشند. از طرف دیگر هیچ چشم‌اندازی از وضعیت استقبال تماشاگر ندارد و باید دل به دریا بزند و از سوی دیگر نمی‌تواند به کمک هزینه‌ای هرچند ناچیز و با تاخیر دلخوش باشد امااز همه بدتر در وضعیتی که گونه دلتای کرونا با سرعتی چشمگیر، قربانی می‌گیرد، باید ریسک خطر ابتلا به این ویروس نفرت‌انگیز را به جان بخرد. دوران کرونا نشان داد گروه‌های جوان هستند که با خطر کردن، چراغ سالن‌های تئاتر را روشن نگه داشته‌اند، کسانی که در شرایط عادی، به راحتی امکان اجرای نمایش به آنان داده نمی‌شود. این دوران به همان اندازه که نشان‌گر عشق و انگیزه گروه‌های جوان بود، ثابت کرد که در شرایط بحرانی، هر کسی به جای اصلاح امور، سعی می‌کند گلیم خود را از آب بیرون بکشد. همچنانکه یکی از مهم‌ترین یادگاری‌های این مقطع، کارنامه غیر قابل دفاع برخی مدیران است که به جای مسئولیت‌پذیری و چاره‌اندیشی، عافیت‌طلبی پیشه کردند و در یکی از دشوارترین مقاطع، ترجیح دادند خود را به دردسر نیندازند و با انتخاب ساده‌ترین راه حل‌ها که همان انفعال است، چند صباح باقی مانده از دوره مدیریت‌شان را به سلامت بگذرانند. دوران کرونا با همه سختی‌هایش می‌گذرد ولی قضاوت تاریخ درباره عملکرد هر یک از ما بر جای خواهد ماند.